

**Comparative Studies
in Jurisprudence,
Law, and Politics**

A Functional Analysis of the Institution of Alimony in Iranian Family Law

1. Azam Bahmani: PhD Student, Department of Law and Political Science, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran
2. Mehdi Hamzeh Howeyda*: Assistant Professor, Nahavand Higher Education Complex, University of Bu-Ali Sina, Hamedan, Iran. Email: m.hamzehoweyda@basu.ac.ir (Corresponding Author)
3. Saeed Kheradmandi: Assistant Professor, Department Of Law and Political Sciences, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran

ABSTRACT

Alimony (nafaqa) is one of the most important financial institutions in Iranian family law, rooted in the principles of Islamic jurisprudence (Imamiyya) and codified in civil law. It plays a crucial role in meeting the material and emotional needs of women in marital life. This article aims to analyze the functions of alimony in Iran's legal system and compare it with other countries. Initially, the theoretical foundations and economic and social functions of alimony are explored. The article then addresses the legal and practical challenges of implementing alimony in Iran, such as the lengthy judicial process, complexities in determining the amount of alimony, and evasion of payment by some husbands. Moreover, a comparative analysis of alimony in Iranian law with that of other countries, especially Islamic and European countries, highlights both differences and similarities in this legal institution. In the concluding section, the article offers legal and practical suggestions to improve the alimony system and reduce family disputes. These recommendations include legal reforms for clearer determination of alimony, strengthening oversight over the enforcement of alimony judgments, and raising social and cultural awareness regarding the significance of alimony in strengthening the family unit. The findings indicate that alimony, beyond being a financial obligation, serves as a supportive tool that enhances marital relationships and reinforces the family structure within society.

Keywords: *Alimony, Iranian family law, financial institutions, Islamic jurisprudence, enforcement challenges, legal comparison, family disputes.*

How to cite: Bahmani, A., Hamzeh Howeyda, M., & Kheradmandi, S. (2024). A Functional Analysis of the Institution of Alimony in Iranian Family Law. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 6(3), 60-73.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 11 July 2024
Revise Date: 03 September 2024
Accept Date: 20 September 2024
Publish Date: 14 October 2024



پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست

تحلیل کارکردگرایانه نهاد نفقه در حقوق خانواده ایران

۱. اعظم بهمنی: دانشجوی دکتری، گروه حقوق و علوم سیاسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران
۲. مهدی حمزه هویدا: استادیار مجتمع آموزش عالی نهاوند، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. پست الکترونیک: m.hamzehoweyda@basu.ac.ir (نویسنده مسئول)
۳. سعید خردمندی: استادیار، حقوق و علوم سیاسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

چکیده

نفقه به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای حقوق مالی در حقوق خانواده ایران، بر اساس اصول فقه امامیه و قانون مدنی تنظیم شده و نقش حیاتی در تأمین نیازهای مادی و معنوی زنان در زندگی زناشویی ایفا می‌کند. این مقاله با هدف بررسی و تحلیل کارکردهای نفقه در نظام حقوقی ایران و تطبیق آن با سایر کشورها نگاشته شده است. ابتدا به بررسی مبانی نظری نفقه و تحلیل کارکردهای اقتصادی و اجتماعی آن پرداخته می‌شود. سپس، به چالش‌های اجرایی و حقوقی نفقه در ایران پرداخته و مشکلاتی مانند طولانی بودن فرآیند قضایی، پیچیدگی تعیین میزان نفقه، و فرار از پرداخت نفقه توسط برخی شوهران مورد بحث قرار می‌گیرد. همچنین، این مقاله به مقایسه تطبیقی نفقه در حقوق ایران و کشورهای دیگر، به ویژه کشورهای اسلامی و اروپایی، می‌پردازد تا تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود در این نهاد حقوقی بررسی شود. در بخش پایانی مقاله، پیشنهادات قانونی و عملی برای بهبود نظام نفقه و کاهش اختلافات خانوادگی مطرح شده است. این پیشنهادات شامل اصلاحات قانونی برای تعیین شفاف‌تر میزان نفقه، تقویت نظارت بر اجرای احکام نفقه، و افزایش آگاهی‌های اجتماعی و فرهنگی درباره اهمیت نفقه در تقویت بنیان خانواده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که نفقه نه تنها به عنوان یک وظیفه مالی، بلکه به عنوان ابزاری حمایتی در جهت تحکیم روابط زوجین و تقویت ساختار خانواده در جامعه نقش بسزایی دارد.

واژگان کلیدی: نفقه، حقوق خانواده ایران، نهادهای مالی، فقه امامیه، چالش‌های اجرایی، تطبیق حقوقی، اختلافات خانوادگی.

نحوه استناددهی: بهمنی، اعظم، حمزه هویدا، مهدی، و خردمندی، سعید. (۱۴۰۳). تحلیل کارکردگرایانه نهاد نفقه در حقوق خانواده ایران. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۶۰-۷۳، (۳)، ۶۰-۷۳.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۲۱ تیر ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۳ شهریور ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۳۰ شهریور ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۲۳ مهر ۱۴۰۳



نهاد نفقه یکی از اصلی‌ترین ارکان حقوق خانواده در نظام حقوقی ایران است که بر مبنای تعالیم فقه اسلامی و در چارچوب قوانین مدنی تنظیم شده است. نفقه به معنای تأمین نیازهای مادی زن توسط شوهر است که شامل مسکن، غذا، لباس و سایر ملزومات زندگی می‌شود. این نهاد حقوقی نقش حیاتی در تنظیم روابط مالی میان زن و شوهر دارد و علاوه بر ایجاد تعهدات مالی برای شوهر، به حمایت از زن در برابر نابرابری‌های اقتصادی کمک می‌کند. با توجه به تأکید اسلام بر حقوق و مسئولیت‌های زوجین در خانواده، نفقه به عنوان یکی از حقوق مسلم زن در ازدواج دائم تلقی می‌شود. ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی ایران تصریح می‌کند که در عقد دائم، نفقه زن به عهده شوهر است، و این تعهد، یکی از وظایف بنیادی زوج در حقوق خانواده اسلامی است (Rostami Tabrizi, 2006).

نفقه نه تنها از منظر حقوقی، بلکه از دیدگاه‌های جامعه‌شناختی و اقتصادی نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. از یک سو، این نهاد در حفظ و استحکام خانواده نقش دارد و از سوی دیگر، به عنوان یک ابزار مالی برای حمایت از زن در برابر مشکلات اقتصادی مطرح می‌شود. تحلیل نفقه از منظر کارکردگرایی می‌تواند به درک بهتری از نقش آن در حفظ توازن اقتصادی و اجتماعی میان زن و شوهر کمک کند. در چارچوب این دیدگاه، نفقه به عنوان یکی از نهادهای اجتماعی، وظیفه تأمین نیازهای مادی زن و تنظیم مناسبات اقتصادی در خانواده را بر عهده دارد (Azizi & Balabighlou, 2023). نفقه، با ایجاد وابستگی مالی میان زن و شوهر، هم‌زمان با ایجاد عدالت اجتماعی و اقتصادی، می‌تواند نهاد خانواده را تقویت کند و باعث بهبود روابط میان زوجین شود.

ضرورت بررسی نهاد نفقه از دیدگاه کارکردگرایی زمانی بیشتر احساس می‌شود که به مشکلات اجرایی و تعارضات حقوقی در زمینه این نهاد توجه کنیم. در بسیاری از موارد، مشکلاتی در پرداخت نفقه وجود دارد که باعث بروز اختلافات جدی میان زوجین می‌شود. این اختلافات به دلیل عدم توانایی مالی شوهر یا عدم تمایل به پرداخت نفقه می‌تواند موجب نارضایتی و حتی فروپاشی خانواده شود (Jalali Farahani & Mohaqqeq Damad, 2023). بررسی نفقه از منظر کارکردگرایی به ما امکان می‌دهد تا نه تنها به نقش اقتصادی آن در خانواده پی ببریم، بلکه به تأثیرات اجتماعی و روانی آن نیز توجه کنیم. به عنوان مثال، نفقه می‌تواند به عنوان یک عامل تعدیل‌کننده در روابط زوجین عمل کند و از تنش‌ها و اختلافات احتمالی جلوگیری نماید.

یکی از سوالات اصلی در این زمینه این است که چگونه نفقه به عنوان یک ابزار حقوقی می‌تواند به حفظ و تقویت خانواده کمک کند؟ آیا پرداخت نفقه به تنهایی کافی است یا باید با سایر حمایت‌های قانونی ترکیب شود؟ این سوالات نیاز به بررسی دقیق کارکردهای نفقه در چارچوب قوانین مدنی ایران دارند. همچنین، باید بررسی کرد که در چه شرایطی نفقه به زن تعلق نمی‌گیرد و چگونه این استثنائات می‌تواند باعث بروز مشکلات حقوقی و اجتماعی شود (Davarnia, 2023). به عنوان مثال، در مواردی که زن از تمکین خودداری کند یا در صورت ارتکاب به اعمال ناشایست، نفقه به وی تعلق نمی‌گیرد که این موضوع می‌تواند منجر به مشکلات حقوقی و اختلافات بین زوجین شود. اهداف تحقیق حاضر بر این است که به بررسی تطبیقی و تحلیلی نهاد نفقه در حقوق خانواده بپردازد. در این راستا، می‌توان به تحلیل نقش نفقه در تنظیم روابط مالی و اجتماعی زوجین پرداخت و بررسی کرد که چگونه این نهاد می‌تواند به تعادل اقتصادی و عدالت در خانواده کمک کند. همچنین، این تحقیق به بررسی تفاوت‌های اجرای نفقه در حقوق خانواده کشورهای مختلف و مقایسه آن با حقوق ایران می‌پردازد تا بتواند به الگوهای بهتری برای تنظیم این نهاد دست یابد.

مبانی نظری نفقه

نفقه به عنوان یکی از مهم‌ترین حقوق مالی زن در ازدواج، از منظر قانونی و فقهی در حقوق خانواده ایران جایگاه ویژه‌ای دارد. در قانون مدنی ایران، نفقه به عنوان تأمین نیازهای متعارف و متناسب زن تعریف شده است و این تعریف بر اساس آموزه‌های فقه امامیه شکل گرفته است. ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی ایران بیان می‌دارد که نفقه شامل مسکن، خوراک، پوشاک و وسایل زندگی است که زن به آن‌ها نیاز دارد، و تأمین آن‌ها بر عهده شوهر است. علاوه بر این، هزینه‌های پزشکی و بهداشتی نیز در مواردی که نیاز وجود دارد، جزو نفقه محسوب می‌شود (Azizi, 2023). این تعریف در چارچوب نظام حقوقی اسلامی ایران طراحی شده است که بر مبنای آموزه‌های فقهی به مسائل حقوق خانواده پرداخته و به تنظیم روابط اقتصادی میان زوجین می‌پردازد.

از منظر فقه امامیه، نفقه به عنوان یکی از حقوق واجب زن بر عهده شوهر قرار دارد. فقهای امامیه بر این باورند که تأمین نفقه از الزامات عقد ازدواج است و شوهر باید به تعهدات خود در این زمینه عمل کند. نفقه نه تنها از نظر قانونی، بلکه از لحاظ اخلاقی نیز یک وظیفه شرعی است که شوهر نمی‌تواند از آن خودداری کند، مگر در موارد خاصی که زن به دلایلی از انجام وظایف خود در قبال شوهر امتناع کرده باشد. در این زمینه، منابع فقهی متعدد به تأکید بر اهمیت نفقه و شرایط آن پرداخته‌اند (Jalali Farahani & Mohaqqueq Damad, 2023). در فقه امامیه، تأمین نفقه به عنوان بخشی از عدالت و حمایت از زن در نظام خانوادگی اسلامی تلقی می‌شود و به شکلی طراحی شده است که از نظر اقتصادی و اجتماعی حمایت لازم از زن را فراهم کند.

از جمله دلایل فقهی که در خصوص الزام شوهر به پرداخت نفقه مطرح می‌شود، می‌توان به آیه ۳۴ سوره نساء اشاره کرد که بر مدیریت و سرپرستی مرد در خانواده تأکید دارد. از دیدگاه فقهی، این سرپرستی به معنای تأمین نیازهای اقتصادی زن و خانواده توسط مرد است و نفقه به عنوان یکی از مظاهر این سرپرستی به شمار می‌رود. همچنین، بر اساس روایات اسلامی، وظیفه تأمین نفقه بر عهده مرد است و هرگونه کوتاهی در این زمینه می‌تواند عواقب شرعی و دنیوی برای شوهر به همراه داشته باشد (جلالی فراهانی، ۱۴۰۲). از این رو، نفقه به عنوان یک نهاد حقوقی و شرعی در حقوق خانواده ایران به نحوی تنظیم شده است که حمایت از زن و تأمین نیازهای اقتصادی او به بهترین نحو ممکن صورت گیرد.

یکی از نکات مهم در بررسی مبانی فقهی و حقوقی نفقه این است که نفقه نه تنها در ازدواج دائم، بلکه در ازدواج موقت نیز قابل مطالبه است، مشروط بر اینکه در عقد ازدواج موقت به صراحت به پرداخت نفقه اشاره شده باشد. این موضوع در ماده ۱۱۱۳ قانون مدنی ایران تصریح شده و تأکید دارد که در نکاح منقطع، زن حق نفقه ندارد، مگر اینکه در ضمن عقد این حق شرط شود یا عقد بر مبنای پرداخت نفقه جاری گردد. این استثناء نشان‌دهنده اهمیت ویژه‌ای است که به تنظیم دقیق روابط اقتصادی میان زن و شوهر در نظام حقوقی ایران داده شده است (Standish, 2022).

کارکردهای نفقه از دو منظر اقتصادی و اجتماعی قابل بررسی است. از دیدگاه اقتصادی، نفقه به عنوان یکی از اصلی‌ترین حقوق مالی زن در ازدواج، نقش حیاتی در تأمین نیازهای مالی زن و حفظ زندگی مشترک ایفا می‌کند. با توجه به اینکه در بیشتر موارد زنان به دلیل محدودیت‌های فرهنگی و اجتماعی، دسترسی کمتری به منابع اقتصادی دارند، نفقه به عنوان یک سازوکار حمایتی عمل می‌کند تا زن از نظر مالی وابسته به شوهر باشد و بتواند نیازهای خود را برآورده سازد. در بسیاری از موارد، نفقه به عنوان یک ابزار اقتصادی برای تضمین امنیت زن در خانواده و جلوگیری از بی‌عدالتی‌های اقتصادی عمل می‌کند (Rezvani & Ghorbani, 2018).

از منظر اجتماعی، نفقه به عنوان یک نهاد حمایتی نقش مهمی در تثبیت و تقویت روابط زناشویی و حفظ بنیان خانواده دارد. این نهاد باعث می‌شود که زن از لحاظ اقتصادی مورد حمایت قرار گیرد و به این ترتیب، روابط میان زوجین تقویت شود. پرداخت نفقه نه تنها به تأمین نیازهای مادی زن کمک می‌کند، بلکه به ایجاد اعتماد و تفاهم در روابط زناشویی منجر می‌شود. در واقع، نفقه می‌تواند به عنوان یکی از عوامل تثبیت‌کننده در خانواده عمل کند و از بروز اختلافات و تنش‌های اقتصادی در خانواده جلوگیری نماید (Ghani et al., 2023).

در کنار کارکردهای اقتصادی و اجتماعی نفقه، این نهاد حقوقی می‌تواند نقش مهمی در کاهش نابرابری‌های جنسیتی نیز داشته باشد. نفقه به عنوان یک ابزار اقتصادی، به زن این امکان را می‌دهد که بدون نگرانی از مشکلات مالی، به انجام وظایف خانوادگی و اجتماعی خود بپردازد. این امر باعث می‌شود که زن در روابط زناشویی احساس امنیت اقتصادی کند و به این ترتیب، روابط میان زوجین بهبود یابد. نفقه به زن اجازه می‌دهد که نقش خود را در خانواده به نحو احسن ایفا کند و به توسعه روابط اجتماعی و فرهنگی خود بپردازد (Tazin, 2023).

با توجه به همه این مباحث، نفقه به عنوان یک نهاد اقتصادی و اجتماعی در حقوق خانواده ایران نقش بی‌بدیلی دارد. این نهاد نه تنها به حفظ توازن مالی و اجتماعی در خانواده کمک می‌کند، بلکه به عنوان یکی از حقوق اساسی زن در نظام حقوقی اسلامی، به تقویت و تثبیت روابط زناشویی و کاهش نابرابری‌های اقتصادی میان زن و شوهر کمک می‌کند. با این حال، مشکلات اجرایی و تفسیری مربوط به نفقه، نیازمند توجه بیشتری از سوی حقوقدانان و فقها است تا بتواند به بهترین نحو ممکن، از حقوق زنان در خانواده حمایت کند و به تقویت نهاد خانواده در جامعه کمک نماید.

کارکردهای نفقه در حقوق ایران

نفقه به عنوان یکی از ارکان اصلی حقوق مالی زنان در خانواده در نظام حقوقی ایران، دارای کارکردهای مختلفی است که هرکدام از جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و حتی معنوی به حمایت از زن و تحکیم روابط زناشویی کمک می‌کنند. یکی از مهم‌ترین کارکردهای نفقه، کارکرد حمایتی آن است که تأمین نیازهای مادی و معنوی زن در خانواده را برعهده دارد. بر اساس قوانین مدنی ایران و نیز مبانی فقه امامیه، شوهر موظف به پرداخت نفقه به همسر خود است که این پرداخت شامل مواردی همچون خوراک، پوشاک، مسکن و سایر نیازهای زندگی است. تأمین این نیازها از طریق نفقه به زن کمک می‌کند تا بدون نگرانی از مشکلات اقتصادی، در خانواده به وظایف خود عمل کند و از امنیت مادی لازم برخوردار شود (Jalali Farahani & Mohaqqueq Damad, 2023). این کارکرد حمایتی نفقه، به ویژه در شرایطی که زن فاقد منابع مالی مستقل است، نقش بسیار مهمی در جلوگیری از فقر و آسیب‌های اقتصادی دارد و زن را در برابر نابرابری‌های اقتصادی موجود در جامعه محافظت می‌کند.

نفقه نه تنها نیازهای مادی زن را تأمین می‌کند، بلکه به جنبه‌های معنوی و روانی زندگی زناشویی نیز توجه دارد. تأمین مالی از سوی شوهر باعث می‌شود که زن احساس امنیت و احترام در زندگی مشترک داشته باشد و از لحاظ روانی نیز در آرامش باشد. این امر به تحکیم روابط زوجین و تقویت بنیان خانواده کمک می‌کند، چرا که یکی از عوامل اصلی بروز تنش و اختلاف در خانواده‌ها، مشکلات مالی است. وقتی که زن به واسطه نفقه تأمین مالی می‌شود، می‌تواند با آرامش خاطر به مسئولیت‌های خانوادگی خود بپردازد و این موضوع تأثیر مثبتی بر روابط زوجین خواهد داشت (Rezvani & Ghorbani, 2018). نفقه از این منظر نه تنها به معنای پرداخت پول و تأمین مالی است، بلکه به عنوان یک نماد از توجه و احترام شوهر به زن تلقی می‌شود که به بهبود ارتباطات عاطفی و معنوی میان آن‌ها نیز کمک می‌کند.

کارکرد تعادلی نفقه نیز یکی از مهم‌ترین جنبه‌های آن است که به حفظ توازن مالی در رابطه زناشویی کمک می‌کند. در بسیاری از موارد، عدم توازن اقتصادی میان زن و شوهر منجر به بروز مشکلات و تنش‌های اقتصادی در خانواده می‌شود. نفقه به عنوان یک ابزار حقوقی، به حفظ این توازن کمک می‌کند و مانع از این می‌شود که زن به دلیل وابستگی مالی به شوهر، از حقوق و جایگاه خود در خانواده صرف‌نظر کند. نفقه در واقع به زن اجازه می‌دهد که به طور مستقل از لحاظ مالی تأمین باشد و همین امر باعث می‌شود که توازن قدرت در خانواده حفظ شود و زن بتواند در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی نقش فعالی ایفا کند (Ghani et al., 2023). این کارکرد تعادلی نفقه همچنین به کاهش تنش‌های مالی میان زن و شوهر کمک می‌کند، زیرا زن به واسطه نفقه از لحاظ اقتصادی به شوهر وابسته نیست و می‌تواند در شرایطی برابر در مسائل خانوادگی مشارکت داشته باشد.

یکی از تأثیرات مهم نفقه بر روابط زوجین، ایجاد وابستگی اقتصادی و معنوی میان زن و شوهر است. این وابستگی اقتصادی به معنای وابستگی زن به شوهر برای تأمین نیازهای مالی است که در بسیاری از موارد باعث تقویت پیوندهای خانوادگی می‌شود. در جامعه‌ای که دسترسی زنان به فرصت‌های شغلی و اقتصادی محدود است، نفقه به عنوان یک نهاد حمایتی باعث می‌شود که زن از لحاظ مالی به شوهر وابسته باشد و این وابستگی اقتصادی به نوعی به وابستگی معنوی نیز منجر می‌شود (Movahedian, 2023). نفقه به زن احساس ارزشمندی می‌دهد و نشان‌دهنده این است که شوهر برای تأمین رفاه و نیازهای او تلاش می‌کند. از این رو، نفقه به تقویت روابط عاطفی میان زوجین کمک می‌کند و باعث می‌شود که زن به شوهر اعتماد و احترام بیشتری داشته باشد. این اعتماد متقابل می‌تواند به تحکیم بنیان خانواده و ایجاد همبستگی بیشتر در میان اعضای خانواده منجر شود.

علاوه بر این، نفقه نقش مهمی در تحکیم بنیان خانواده و تقویت نقش خانواده در جامعه ایفا می‌کند. خانواده به عنوان واحد اساسی جامعه، نقش مهمی در تربیت نسل‌های آینده و انتقال ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی دارد. نفقه به عنوان یک نهاد اقتصادی، به حفظ و تقویت این نقش خانواده کمک می‌کند. وقتی که زن از طریق نفقه از لحاظ مالی تأمین می‌شود، می‌تواند به مسئولیت‌های خانوادگی خود، از جمله تربیت فرزندان و مدیریت خانه، به خوبی بپردازد. این امر باعث می‌شود که خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی قوی‌تر شود و نقش خود را در جامعه بهتر ایفا کند (Standish, 2022). همچنین، نفقه به زن اجازه می‌دهد که بدون نگرانی از مشکلات مالی، به فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی بپردازد و به این ترتیب، خانواده به عنوان یک نهاد فعال و مؤثر در جامعه ایفای نقش کند.

نفقه همچنین از بروز بسیاری از مشکلات اجتماعی جلوگیری می‌کند. در بسیاری از موارد، عدم پرداخت نفقه یا کمبود آن می‌تواند منجر به بروز اختلافات زناشویی و حتی جدایی شود. پرداخت نفقه به موقع و به اندازه کافی می‌تواند از بروز این مشکلات جلوگیری کند و باعث تحکیم روابط زوجین شود. در مواردی که شوهر به تعهدات خود در قبال نفقه عمل نمی‌کند، زن ممکن است مجبور شود برای حفظ حقوق خود به مراجع قضایی مراجعه کند که این موضوع می‌تواند به بروز تنش‌ها و اختلافات خانوادگی منجر شود (Jalali Farahani & Mohaqqeq Damad, 2023). بنابراین، نفقه به عنوان یک ابزار حمایتی و حقوقی نه تنها به زن کمک می‌کند که از لحاظ مالی تأمین باشد، بلکه به حفظ آرامش و ثبات در خانواده نیز کمک می‌کند.

در نهایت، نفقه به عنوان یک نهاد اقتصادی و اجتماعی، نقش مهمی در کاهش نابرابری‌های جنسیتی در جامعه دارد. با توجه به اینکه زنان در بسیاری از جوامع از فرصت‌های اقتصادی برابر با مردان برخوردار نیستند، نفقه به عنوان یک ابزار حمایتی به زنان این امکان را می‌دهد که بدون نگرانی از مشکلات مالی، به زندگی خانوادگی و اجتماعی خود بپردازند. این امر باعث می‌شود که زنان نقش فعال‌تری در خانواده و

جامعه داشته باشند و به این ترتیب، نفقه به کاهش نابرابری‌های جنسیتی و افزایش مشارکت زنان در امور اجتماعی و اقتصادی کمک می‌کند (Prati & Piatrontoni, 2018).

به طور کلی، نفقه به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای حقوق خانواده در ایران، کارکردهای حمایتی، تعادلی، و اجتماعی متعددی دارد که به تقویت بنیان خانواده و بهبود روابط میان زوجین کمک می‌کند. نفقه نه تنها نیازهای مادی زن را تأمین می‌کند، بلکه به ایجاد اعتماد و وابستگی معنوی میان زوجین کمک می‌کند و به تحکیم نقش خانواده در جامعه منجر می‌شود. با این حال، مشکلات اجرایی و تفسیری مربوط به نفقه نیازمند توجه بیشتری از سوی حقوقدانان و سیاستگذاران است تا بتواند به بهترین نحو ممکن از حقوق زنان در خانواده حمایت کند و به تقویت نهاد خانواده در جامعه کمک نماید.

مقایسه نفقه در ایران و سایر کشورها

نفقه به عنوان یک نهاد حقوقی در نظام خانواده، نه تنها در ایران بلکه در بسیاری از کشورها وجود دارد، هرچند در کشورهای مختلف، این مفهوم با تفاوت‌های معناداری از نظر مبانی فقهی، حقوقی و اجتماعی روبروست. در حقوق خانواده ایران، نفقه بر اساس قوانین اسلامی و فقه امامیه تنظیم شده و به عنوان یکی از حقوق اساسی زن در ازدواج دائم شناخته می‌شود. در مقابل، در کشورهای غربی و برخی کشورهای اسلامی دیگر، نفقه ممکن است تعاریف و کارکردهای متفاوتی داشته باشد. بررسی تطبیقی نفقه در حقوق ایران و سایر کشورها به روشن‌تر شدن تفاوت‌ها و شباهت‌های این نهاد حقوقی کمک می‌کند.

در کشورهای اسلامی که حقوق خانواده بر اساس اصول شرعی و فقه اسلامی بنا شده است، نفقه به عنوان یکی از حقوق مسلم زنان در ازدواج دائم تلقی می‌شود. در این کشورها، نظیر عربستان سعودی، مصر و پاکستان، نفقه به عنوان وظیفه‌ای واجب بر عهده شوهر قرار می‌گیرد و شامل تأمین نیازهای اساسی زن از جمله مسکن، غذا، پوشاک و هزینه‌های پزشکی است. این کشورها، با وجود تفاوت‌هایی در جزئیات، به اصول مشترکی در زمینه نفقه پایبند هستند که بر مبنای آموزه‌های اسلامی و فقه مذاهب مختلف اسلامی شکل گرفته است (پیریان، ۲۰۲۴). به عنوان مثال، در مصر، نفقه بر اساس قانون احوال شخصیه تنظیم شده و شوهر موظف به تأمین نیازهای زن است، هرچند که در صورتی که زن از تمکین خودداری کند، این حق از وی سلب می‌شود. در پاکستان نیز نفقه بر اساس فقه حنفی تعیین می‌شود و همانند ایران، نفقه به عنوان یکی از حقوق مالی زن پس از ازدواج در نظر گرفته می‌شود (Ghani et al., 2023).

در مقابل، کشورهای غربی به ویژه کشورهای اروپایی، نگرشی متفاوت نسبت به نفقه دارند. در این کشورها، نفقه به معنای پرداخت‌های مالی پس از جدایی یا طلاق بین زوجین تعریف می‌شود و به عنوان بخشی از حقوق زنان در دوران زناشویی و پس از پایان آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. به عنوان مثال، در انگلستان و ولز، نفقه (maintenance) به صورت قراردادی و بر اساس توافق‌های پیش از ازدواج یا حکم دادگاه تعیین می‌شود و معمولاً شامل پرداخت‌های مالی منظم به زن پس از طلاق است. در این کشورها، نفقه به معنای تأمین زندگی زن پس از جدایی است و تأکید بر عدالت اقتصادی میان زن و مرد در دوران پس از ازدواج دارد (Steigner et al., 2019). نفقه در این کشورها بیشتر به عنوان یک ابزار برای حفظ توازن اقتصادی میان زوجین پس از پایان زندگی مشترک در نظر گرفته می‌شود و از جنبه حمایتی آن در دوران ازدواج کمتر صحبت می‌شود.

یکی از تفاوت‌های اساسی میان نفقه در حقوق خانواده ایران و کشورهای اروپایی، نقش فرهنگ و عرف در تعیین میزان نفقه است. در ایران، نفقه بر اساس قوانین شرعی و اصول فقهی تعیین می‌شود و بر این اساس، میزان آن به تناسب وضعیت زن و شوهر و نیازهای متعارف زن

مشخص می‌شود. در بسیاری از کشورهای اسلامی نیز نفقه بر اساس معیارهای فقهی و شرعی تعیین می‌شود و عرف جامعه تأثیر مستقیمی بر میزان نفقه ندارد، بلکه تأکید بیشتر بر اجرای عدالت شرعی است (Movahedian, 2023). اما در کشورهای غربی، عرف و فرهنگ جامعه نقش بیشتری در تعیین میزان نفقه دارد. در انگلستان، دادگاه‌ها معمولاً با توجه به استانداردهای زندگی و شرایط اقتصادی زوجین، میزان نفقه را تعیین می‌کنند و این معیارها ممکن است بر اساس تغییرات فرهنگی و اجتماعی جامعه متفاوت باشد. در واقع، فرهنگ و عرف جامعه غربی تأکید بیشتری بر استقلال اقتصادی زن و مرد دارد و نفقه بیشتر به عنوان یک حمایت مالی در موارد خاص در نظر گرفته می‌شود (چارچیل و همکاران، ۲۰۲۰).

شباهت‌هایی نیز میان نفقه در حقوق ایران و کشورهای اروپایی وجود دارد. یکی از این شباهت‌ها، تأکید بر حمایت مالی از زن است، هرچند که در کشورهای غربی، این حمایت مالی معمولاً پس از طلاق یا جدایی از شوهر اعمال می‌شود. در ایران و کشورهای اسلامی، نفقه به عنوان یک تعهد مالی دائمی از سوی شوهر در دوران ازدواج مطرح است، اما در کشورهای غربی، نفقه به عنوان یک تعهد موقت پس از جدایی تعریف می‌شود. در هر دو نظام حقوقی، هدف نفقه تأمین مالی زن و جلوگیری از بی‌عدالتی اقتصادی است، اما چگونگی اجرا و زمان‌بندی آن متفاوت است (Standish, 2022). همچنین، در هر دو نظام، نفقه به عنوان یک ابزار قانونی برای حفظ توازن اقتصادی میان زوجین در نظر گرفته می‌شود، هرچند که در کشورهای غربی، تأکید بیشتری بر تساوی حقوق زن و مرد و استقلال اقتصادی آنان وجود دارد.

یکی از مسائل مهم در تحلیل تطبیقی نفقه، تأثیر عرف و فرهنگ جامعه بر این نهاد حقوقی است. در ایران و کشورهای اسلامی، عرف جامعه و مفاهیم فرهنگی مانند احترام به زن و تأمین مالی او از سوی شوهر نقش مهمی در تعیین و اجرای نفقه ایفا می‌کنند. به عنوان مثال، در بسیاری از جوامع اسلامی، تأمین مالی زن به عنوان یکی از وظایف اخلاقی و دینی مرد تلقی می‌شود و عرف جامعه نیز این مسئولیت را بر دوش مرد قرار می‌دهد (Prati & Piatrontoni, 2018). این مسئله به نوبه خود به تحکیم نهاد خانواده و تقویت روابط زناشویی کمک می‌کند. در مقابل، در کشورهای غربی، فرهنگ استقلال فردی و تأکید بر تساوی اقتصادی میان زن و مرد باعث شده است که نفقه به عنوان یک تعهد مالی موقت در نظر گرفته شود که پس از پایان زندگی مشترک اعمال می‌شود. در این جوامع، نفقه به معنای تأمین مالی موقت برای زن است تا او بتواند پس از طلاق به استقلال اقتصادی دست یابد و از نظر مالی وابسته به شوهر نماند (Nigam, 2023).

به طور کلی، تحلیل تطبیقی نفقه در حقوق ایران و کشورهای دیگر نشان می‌دهد که این نهاد حقوقی با توجه به زمینه‌های فقهی، فرهنگی و اجتماعی هر کشور شکل گرفته است. در حالی که در کشورهای اسلامی نفقه به عنوان یک وظیفه دائمی و تعهد شرعی از سوی شوهر تعریف شده، در کشورهای غربی نفقه بیشتر به عنوان یک تعهد مالی موقت پس از جدایی تلقی می‌شود. همچنین، فرهنگ و عرف جامعه نقش مهمی در تعیین میزان نفقه دارد و در کشورهای اسلامی، اصول فقهی و شرعی نقش بیشتری در تعیین نفقه ایفا می‌کنند، در حالی که در کشورهای غربی، عرف جامعه و استانداردهای زندگی نقش مهم‌تری دارند. این تفاوت‌ها نشان‌دهنده تأثیر گسترده فرهنگ، عرف و نظام‌های حقوقی بر نهاد نفقه است و بررسی این تفاوت‌ها می‌تواند به شناخت بهتر این نهاد و اصلاح قوانین نفقه در کشورها کمک کند.

نقد و بررسی وضعیت موجود در ایران

نفقه به عنوان یکی از حقوق مالی مهم در نظام حقوق خانواده ایران، بر مبنای اصول فقه امامیه و قوانین مدنی تنظیم شده است. با وجود جایگاه مهم نفقه در حفظ و تقویت بنیان خانواده، اجرای آن در نظام قضایی ایران با چالش‌ها و مشکلات متعددی روبروست. این مشکلات، شامل

مسائل اجرایی، حقوقی، فرهنگی و اجتماعی است که باعث شده تا بسیاری از زنان نتوانند به راحتی به حقوق خود دست یابند. بررسی دقیق این چالش‌ها می‌تواند به درک عمیق‌تری از وضعیت نفقه در حقوق خانواده ایران و ارائه راهکارهایی برای بهبود آن کمک کند.

یکی از مهم‌ترین مشکلات اجرایی نفقه در ایران، پیچیدگی‌های موجود در فرآیند اثبات حق نفقه در سیستم قضایی است. از نظر قانونی، زن می‌تواند هر زمان که شوهر از پرداخت نفقه خودداری کند، به دادگاه مراجعه کرده و درخواست نفقه بدهد. اما در عمل، فرآیند قضایی بسیار طولانی و پیچیده است و اغلب زنان با مشکلات بسیاری در مسیر دسترسی به حقوق خود مواجه می‌شوند. دادگاه‌ها معمولاً نیاز به ارائه مدارک مستند و شواهد کافی برای اثبات عدم پرداخت نفقه دارند که تهیه این مدارک ممکن است برای بسیاری از زنان دشوار باشد. این مشکل به ویژه در مواردی که زن از نظر اقتصادی ضعیف است و توانایی پرداخت هزینه‌های قضایی یا مشاوره حقوقی را ندارد، حادتر می‌شود (Hosseini, 2018). علاوه بر این، پیچیدگی‌های حقوقی موجود در قوانین مربوط به نفقه باعث می‌شود که زنان به راحتی نتوانند حقوق خود را از طریق مراجع قضایی پیگیری کنند.

چالش دیگری که در زمینه نفقه وجود دارد، تعیین میزان نفقه در سیستم قضایی ایران است. بر اساس قانون مدنی، میزان نفقه باید بر اساس وضعیت اقتصادی زن و شوهر و همچنین عرف جامعه تعیین شود. اما در عمل، دادگاه‌ها با مشکلاتی در تعیین دقیق میزان نفقه مواجه هستند. یکی از این مشکلات، تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی میان مناطق مختلف کشور است. در برخی از مناطق، انتظارات از میزان نفقه ممکن است بیشتر باشد، در حالی که در دیگر مناطق، میزان نفقه کمتر است. این تفاوت‌ها باعث می‌شود که تعیین نفقه به یک مسئله پیچیده تبدیل شود و اغلب دادگاه‌ها با ابهاماتی در این زمینه مواجه هستند (Prati & Piatrontoni, 2018). علاوه بر این، نوسانات اقتصادی و تورم نیز بر تعیین میزان نفقه تأثیر می‌گذارد. در بسیاری از موارد، حتی پس از صدور حکم نفقه، شوهر به دلیل مشکلات مالی یا افزایش هزینه‌های زندگی قادر به پرداخت آن نیست. این مسئله باعث می‌شود که زن با مشکلات اقتصادی جدی مواجه شود و نتواند به حقوق خود دست یابد. سیستم قضایی ایران نیز با چالش‌های دیگری در زمینه پرداخت نفقه روبروست. یکی از این چالش‌ها، عدم توانایی شوهر در پرداخت نفقه است. در بسیاری از موارد، شوهر به دلیل بیکاری یا مشکلات اقتصادی، توانایی پرداخت نفقه را ندارد. این مسئله باعث می‌شود که حتی در صورت صدور حکم دادگاه، زن نتواند به نفقه خود دست یابد و با مشکلات مالی مواجه شود. از سوی دیگر، برخی از مردان به عمد از پرداخت نفقه خودداری می‌کنند و به روش‌های مختلفی از جمله انتقال دارایی‌ها به نام افراد دیگر یا مخفی کردن اموال، از اجرای حکم نفقه جلوگیری می‌کنند (Davarnia, 2023). این چالش‌ها نیازمند اصلاحات اساسی در قوانین و مقررات نفقه و همچنین تقویت نظارت بر اجرای احکام نفقه است تا بتوان از حقوق زنان به نحو بهتری حمایت کرد.

نفقه در ایران از منظر اجتماعی و فرهنگی نیز با مشکلات متعددی مواجه است. یکی از این مشکلات، نگاه فرهنگی غالب در برخی از جوامع است که پرداخت نفقه را تنها به عنوان یک وظیفه اقتصادی شوهر می‌بیند و به اهمیت آن در حفظ توازن عاطفی و معنوی در خانواده توجه کافی نمی‌کند. در این جوامع، نفقه بیشتر به عنوان یک تعهد مالی تلقی می‌شود و کمتر به نقش حمایتی و تقویت‌کننده آن در روابط زوجین توجه می‌شود. این مسئله باعث می‌شود که برخی از شوهران با نارضایتی از پرداخت نفقه خودداری کنند یا آن را به صورت ناقص پرداخت کنند (Movahedian, 2023). از سوی دیگر، در بسیاری از جوامع سنتی، نفقه به عنوان یکی از ارکان مهم در روابط خانوادگی تلقی نمی‌شود و زنان به دلیل فشارهای اجتماعی و فرهنگی تمایلی به پیگیری حقوق خود ندارند. این نگاه فرهنگی باعث می‌شود که بسیاری از زنان از حقوق خود در زمینه نفقه محروم بمانند و نتوانند به طور کامل از آن بهره‌مند شوند.

مشکلات عملی در اجرای احکام نفقه نیز یکی دیگر از چالش‌های مهم در نظام حقوقی ایران است. بسیاری از زنان پس از صدور حکم نفقه با مشکلاتی در اجرای آن مواجه می‌شوند. اجرای حکم نفقه نیازمند همکاری شوهر است و در صورتی که شوهر از همکاری با دادگاه خودداری کند، اجرای حکم به تأخیر می‌افتد. همچنین، برخی از مردان با استفاده از روش‌های مختلف از اجرای حکم نفقه فرار می‌کنند و زن مجبور می‌شود برای اجرای حکم به اقدامات قانونی بیشتری روی آورد که این مسئله باعث طولانی‌تر شدن فرآیند اجرای نفقه می‌شود (Azizi, 2023). این مشکلات عملی در اجرای احکام نفقه نیازمند اصلاحات اساسی در سیستم قضایی و تقویت نظارت بر اجرای احکام است تا بتوان از حقوق زنان به نحو بهتری حمایت کرد.

به طور کلی، نفقه به عنوان یکی از ارکان حقوق مالی زنان در خانواده، با چالش‌های متعددی در نظام حقوقی و اجتماعی ایران مواجه است. مشکلات اجرایی در سیستم قضایی، چالش‌های تعیین و پرداخت نفقه، و موانع فرهنگی و اجتماعی، همگی باعث شده‌اند تا بسیاری از زنان نتوانند به حقوق خود در زمینه نفقه دست یابند. برای حل این مشکلات، نیازمند اصلاحات حقوقی، افزایش آگاهی اجتماعی و تقویت نظارت بر اجرای احکام نفقه هستیم. اصلاح قوانین مربوط به نفقه و ایجاد سازوکارهای مناسب برای تعیین و پرداخت نفقه می‌تواند به بهبود وضعیت زنان در خانواده و جامعه کمک کند و به تقویت بنیان خانواده در ایران منجر شود.

بحث و نتیجه‌گیری

نفقه به عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان حقوق مالی زن در نظام حقوقی ایران، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این نهاد حقوقی که بر پایه اصول فقه امامیه و قوانین مدنی ایران بنا شده، وظیفه تأمین نیازهای اساسی زن از جمله مسکن، خوراک، پوشاک، و سایر لوازم زندگی را بر عهده شوهر قرار می‌دهد. هدف اصلی نفقه، تأمین امنیت مالی و حمایت از زن در چارچوب خانواده است. نفقه نه تنها یک وظیفه اقتصادی شوهر است، بلکه نقشی حمایتی و معنوی نیز در تقویت روابط زوجین و تحکیم بنیان خانواده ایفا می‌کند. در این مقاله، به بررسی مبانی نظری، کارکردهای اجتماعی و اقتصادی نفقه، چالش‌های اجرایی و حقوقی مربوط به آن، و در نهایت پیشنهادهای برای بهبود نظام نفقه در ایران پرداخته شد.

یافته‌های این مقاله نشان داد که نفقه به عنوان یک ابزار حقوقی در حقوق خانواده ایران، با وجود اهمیتی که دارد، با چالش‌های اجرایی و حقوقی متعددی روبروست. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، مشکلات مربوط به تعیین و پرداخت نفقه در سیستم قضایی است. با وجود اینکه قانون مدنی ایران معیارهایی کلی برای تعیین نفقه ارائه داده است، اما در عمل، دادگاه‌ها با مشکلاتی در تعیین دقیق میزان نفقه مواجه هستند. همچنین، عدم توانایی شوهر در پرداخت نفقه و فرار از تعهدات مالی، مشکلاتی جدی را برای زنان به وجود می‌آورد. این مشکلات نشان‌دهنده نیاز به اصلاحات قانونی و تقویت نظارت بر اجرای احکام نفقه است تا از حقوق زنان در خانواده به شکل بهتری حمایت شود.

نفقه از جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی نیز تأثیرات عمیقی بر روابط خانوادگی و ساختار اجتماعی دارد. از دیدگاه اقتصادی، نفقه به زن اجازه می‌دهد که بدون نگرانی از مشکلات مالی به زندگی خانوادگی خود ادامه دهد و از سوی دیگر، شوهر را به رعایت تعهدات مالی خود ملزم می‌کند. این امر به حفظ توازن اقتصادی در خانواده کمک می‌کند و مانع از بروز تنش‌های مالی میان زوجین می‌شود. از جنبه اجتماعی، نفقه به تحکیم روابط زناشویی و افزایش اعتماد میان زن و شوهر منجر می‌شود. پرداخت منظم نفقه می‌تواند به عنوان نمادی از توجه و احترام شوهر به همسر تلقی شود که این امر به بهبود روابط عاطفی و معنوی در خانواده کمک می‌کند.

در نظام حقوقی ایران، نفقه نه تنها به عنوان یک وظیفه قانونی برای شوهر در نظر گرفته می‌شود، بلکه ابزاری برای تقویت حقوق زنان و حمایت از آن‌ها در برابر نابرابری‌های اقتصادی است. این نهاد حقوقی به ویژه در شرایطی که زنان به دلیل محدودیت‌های اقتصادی یا فرهنگی توانایی دسترسی به منابع مالی مستقل ندارند، نقش حمایتی بسیار مهمی ایفا می‌کند. نفقه به عنوان یک وسیله برای تأمین امنیت مالی زنان در چارچوب خانواده، به جلوگیری از فقر زنان کمک کرده و باعث کاهش نابرابری‌های اقتصادی در جامعه می‌شود. به علاوه، نفقه به تقویت نقش خانواده به عنوان واحد اصلی جامعه نیز کمک می‌کند. تأمین مالی زنان از طریق نفقه، به آن‌ها اجازه می‌دهد که با آرامش خاطر به مسئولیت‌های خانوادگی و اجتماعی خود بپردازند و این امر به نوبه خود، به افزایش ثبات و امنیت در خانواده و جامعه منجر می‌شود.

نقش نفقه در تقویت خانواده و جامعه به ویژه در جلوگیری از فروپاشی خانواده‌ها و کاهش تنش‌های مالی در روابط زوجین بسیار حائز اهمیت است. بسیاری از اختلافات زناشویی و مشکلات خانوادگی به دلیل عدم پرداخت نفقه یا اختلافات در تعیین میزان آن بروز می‌کنند. نفقه به عنوان یک ابزار حمایتی، با ایجاد توازن مالی در خانواده به کاهش این اختلافات کمک می‌کند و باعث حفظ بنیان خانواده می‌شود. همچنین، اجرای صحیح و به موقع نفقه می‌تواند به جلوگیری از بروز اختلافات حقوقی و قضایی میان زوجین منجر شود و از افزایش تنش‌ها در خانواده‌ها جلوگیری کند. به همین دلیل، تقویت نظام حقوقی و قضایی برای حمایت از زنان در پرداخت نفقه، اهمیت بسیاری دارد و می‌تواند به کاهش مشکلات خانوادگی و اجتماعی کمک کند.

در نهایت، نفقه به عنوان یک نهاد حقوقی و اجتماعی، نقشی بی‌بدیل در تقویت خانواده و جامعه دارد. این نهاد با تأمین نیازهای مادی زن و ایجاد توازن اقتصادی در خانواده، به تحکیم روابط زناشویی و افزایش همبستگی میان زوجین کمک می‌کند. از سوی دیگر، نفقه به عنوان یک ابزار حمایتی، به کاهش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی در جامعه و افزایش امنیت اقتصادی زنان کمک می‌کند. برای بهبود وضعیت نفقه در ایران، نیاز به اصلاحات قانونی، تقویت نظارت بر اجرای احکام نفقه، و افزایش آگاهی‌های فرهنگی و اجتماعی در مورد اهمیت این نهاد حقوقی وجود دارد. با اجرای این اصلاحات و پیشنهادات، می‌توان امیدوار بود که نفقه به نحو بهتری در خدمت تقویت خانواده و جامعه قرار گیرد و حقوق زنان در چارچوب خانواده به شکل مطلوب‌تری مورد حمایت قرار گیرد.

از این رو می‌توان گفت نظام نفقه در ایران به عنوان یکی از نهادهای مهم حقوق خانواده نیازمند اصلاحات جدی در حوزه‌های قانونی و اجرایی است تا بتواند به درستی وظیفه حمایتی خود را در قبال زنان ایفا کند. یکی از نخستین اصلاحات قانونی پیشنهادی در این حوزه، بهبود تعریف و تعیین میزان نفقه است. در حال حاضر، معیارهای تعیین نفقه به شکل کلی در قوانین مشخص شده است که این امر باعث بروز تفسیرهای مختلف در مراجع قضایی می‌شود. لازم است قوانین شفاف‌تری وضع شود که به صورت دقیق معیارهای تعیین نفقه را بر اساس نیازهای مادی زن و وضعیت اقتصادی شوهر تنظیم کند. این معیارها می‌تواند بر مبنای شاخص‌های معیشتی، نرخ تورم، و استانداردهای زندگی متناسب با هر منطقه باشد تا نفقه به طور دقیق و منصفانه تعیین شود و اختلافات مربوط به میزان آن کاهش یابد.

در زمینه اجرای احکام نفقه نیز، قوانین فعلی باید اصلاحاتی را بپذیرند که به تسریع در روند اجرای احکام کمک کند. یکی از مشکلات اصلی زنان در دسترسی به نفقه، طولانی بودن روند قضایی و مشکلات اجرایی است. اصلاحاتی که شامل کاهش مراحل اداری و تسهیل در اجرای احکام نفقه باشند می‌تواند به حمایت بیشتر از زنان و کاهش بار سیستم قضایی منجر شود. همچنین، ایجاد نهادهای مستقل اجرایی برای پیگیری احکام نفقه و تضمین پرداخت آن می‌تواند نقش مؤثری در بهبود وضعیت اجرای نفقه داشته باشد. این نهادها می‌توانند تحت نظارت قوه قضائیه عمل کرده و با استفاده از ابزارهای قانونی لازم، اجرای احکام نفقه را تسریع کنند.

برای کاهش اختلافات مربوط به نفقه در خانواده‌ها، ارائه مشاوره‌های حقوقی و خانوادگی به زوجین پیش از وقوع اختلافات مالی می‌تواند بسیار مؤثر باشد. بسیاری از اختلافات مربوط به نفقه به دلیل ناآگاهی زوجین از حقوق و وظایف یکدیگر و نیز مشکلات ارتباطی و مالی رخ می‌دهد. ارائه خدمات مشاوره حقوقی و خانوادگی به صورت رایگان یا با هزینه‌های پایین در نهادهای دولتی و خصوصی می‌تواند به زوجین کمک کند تا با حقوق و تکالیف خود آشنا شوند و از بروز اختلافات جدی در آینده جلوگیری کنند. این مشاوره‌ها می‌توانند به زنان و مردان کمک کنند تا از تعهدات مالی مربوط به نفقه آگاه شوند و به توافقات عادلانه‌تری دست یابند.

علاوه بر اصلاحات قانونی و مشاوره‌های حقوقی، تقویت نظام حقوقی برای افزایش حمایت از زنان در پرداخت نفقه نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این تقویت می‌تواند از طریق ایجاد صندوق‌های مالی حمایتی برای زنان صورت گیرد که در مواقعی که شوهر از پرداخت نفقه خودداری می‌کند یا توانایی مالی ندارد، این صندوق‌ها نفقه را پرداخت کنند و سپس از شوهر مطالبه کنند. این راهکار نه تنها از زنان در برابر مشکلات اقتصادی حمایت می‌کند، بلکه باعث کاهش تنش‌های خانوادگی نیز می‌شود. به علاوه، ایجاد ضمانت‌های اجرایی قوی‌تر برای مردانی که از پرداخت نفقه خودداری می‌کنند، می‌تواند به افزایش تعهد شوهران به پرداخت نفقه منجر شود. به عنوان مثال، تعلیق حقوق اجتماعی یا اعمال جریمه‌های مالی برای مردانی که به تعهدات مالی خود عمل نمی‌کنند، می‌تواند به عنوان راهکاری مؤثر در جهت تقویت نظام حقوقی و حمایتی از زنان در پرداخت نفقه مطرح شود.

در نهایت، نقش فرهنگ‌سازی نیز در کاهش اختلافات مربوط به نفقه نباید نادیده گرفته شود. بسیاری از مشکلات مربوط به نفقه ناشی از نگاه‌های سنتی و فرهنگی به وظایف زن و شوهر در خانواده است. لازم است که از طریق آموزش‌های فرهنگی و اجتماعی در مدارس، دانشگاه‌ها و رسانه‌ها، نگاه جامعه به نقش نفقه بهبود یابد. نفقه نباید تنها به عنوان یک وظیفه مالی شوهر تلقی شود، بلکه باید به عنوان یک ابزار حمایتی در جهت حفظ حقوق زن و تقویت خانواده مورد توجه قرار گیرد. آموزش و آگاهی‌رسانی به زوجین درباره اهمیت نفقه و نحوه صحیح مدیریت روابط مالی در خانواده، می‌تواند به کاهش اختلافات و تقویت بنیان خانواده کمک کند.

در مجموع، اصلاحات قانونی و اجرایی در نظام نفقه، همراه با ارائه مشاوره‌های حقوقی و خانوادگی، تقویت نظام حمایتی از زنان و فرهنگ‌سازی در جامعه می‌تواند به کاهش مشکلات مربوط به نفقه و تقویت حقوق زنان در خانواده منجر شود. این اصلاحات و پیشنهادات می‌تواند نقش مهمی در بهبود وضعیت زنان و کاهش تنش‌های مالی و خانوادگی در جامعه ایران داشته باشد.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

Alimony (nafaqa) in Iranian family law holds a significant position as one of the essential financial rights of women in marriage, grounded in Islamic jurisprudence (Imamiyya) and codified in the Iranian Civil Code. The term refers to the husband's obligation to provide for the basic needs of the

wife, including shelter, food, clothing, and other necessities of life. Article 1107 of the Civil Code specifies the scope of these responsibilities, ensuring that the wife is financially supported during the marriage. Alimony's role is not solely economic but also socio-cultural, contributing to the stability and harmony of the family. Given its profound impact on marital relations, alimony in Iran is more than just a legal obligation; it acts as a pillar of family security and balance. This paper explores the theoretical foundations of alimony in Iranian law, compares its application to other countries, and discusses the challenges related to its enforcement and judicial processes.

The theoretical foundations of alimony in Iranian law are deeply rooted in Islamic jurisprudence, where the husband's duty to provide for his wife is a core principle. Islamic scholars from the Imamiyya school have consistently emphasized that alimony is an essential right of the wife in a permanent marriage. This obligation derives from the Quran and Hadith, which underline the importance of men's financial responsibility towards their families. For instance, in Quranic verses such as Surah An-Nisa (4:34), men are described as the protectors and maintainers of women, reflecting their duty to provide for them financially. The codification of this principle in the Civil Code reinforces its importance in contemporary Iranian family law. Alimony, therefore, serves as a legal tool to maintain economic stability in the family and prevent the financial exploitation of women.

Comparatively, alimony in other Islamic countries, such as Egypt and Pakistan, shares similarities with Iranian law, particularly in its foundation in Islamic principles. However, variations exist in the interpretation and enforcement of alimony across different legal systems. In Egypt, for example, the law of personal status stipulates that alimony is an absolute right of the wife, provided she adheres to her marital obligations (Jalali Farahani & Mohaqqueq Damad, 2023). Pakistan's Hanafi school of jurisprudence also recognizes alimony as an essential right, although the specifics of its determination and enforcement can differ (Davarnia, 2023). In contrast, in Western countries such as the UK, alimony (often referred to as "maintenance") takes on a different role, often focusing on post-divorce support rather than ongoing marital obligations (Steigner et al., 2019). In these systems, alimony serves to bridge financial disparities between spouses after the dissolution of marriage rather than providing ongoing support during marriage.

Despite the clear legal framework in Iran, the enforcement of alimony faces several practical challenges. One of the most significant issues is the judicial process's complexity and length, which often discourages women from pursuing their rights. Many women face difficulties gathering the necessary evidence to prove that their husbands have failed to provide alimony. Moreover, cultural factors often discourage women from taking legal action against their husbands, particularly in rural areas where traditional norms are stronger (Prati & Piatrontoni, 2018). These challenges are compounded by the economic instability that many men face, which can lead to their inability to pay alimony. Courts, in these cases, must navigate the delicate balance between enforcing legal rights and acknowledging the financial realities that both spouses may face.

The socio-cultural implications of alimony in Iran cannot be overlooked. Culturally, there is often an expectation that men will fulfill their financial obligations toward their wives, as this is seen as a matter of personal and familial honor. However, this cultural expectation is not always realized in practice. In many cases, economic pressures or personal disputes lead men to withhold alimony, resulting in financial hardships for women (Rezvani & Ghorbani, 2018). Additionally, in some regions, there remains a cultural stigma associated with women pursuing legal claims for alimony, further complicating the issue. This underscores the need for more robust legal and social mechanisms to

support women in enforcing their rights to alimony without facing social backlash or familial pressure.

To address these challenges, legal reforms in the Iranian judicial system could focus on streamlining the process for claiming and enforcing alimony. For instance, the creation of specialized family courts that deal exclusively with marital and financial issues could help expedite cases and reduce the burden on general courts. Additionally, the introduction of clearer guidelines for determining alimony, taking into account inflation and regional economic disparities, would help standardize decisions and reduce ambiguity in the courts' rulings. Beyond legal reforms, there is also a need for greater cultural awareness and education programs to inform both men and women about the importance of alimony and the legal recourse available to those who are denied it.

In conclusion, alimony in Iranian family law serves as a critical component in maintaining financial equilibrium and supporting women's rights within marriage. While the legal foundations of alimony are well-established, significant challenges remain in its enforcement, particularly in light of socio-cultural and economic barriers. Comparing Iran's approach to alimony with other countries, both Islamic and Western, highlights both the universal importance of financial support in marriage and the unique challenges faced by different legal systems. Legal reforms and increased cultural awareness are essential steps toward ensuring that alimony can fulfill its intended role in supporting women and strengthening family structures in Iran.

References

- Abed Khurasani, M. (2020). *An Introduction to Child Rights*. Mizan Publications.
- Ameli, S. R. (2016). *A Dual-Space Approach to Injuries, Crimes, Laws, and Policies in Cyberspace*. Amir Kabir Publications.
- Besharat, M. A., & Shamsipour, H. (2019). *Effective Teaching: Efficient Teaching Methods*. Pegah Publications.
- Carey, P., & Sanders, J. (2019). *Media Law*. Miran Publications.
- Iravaniyan, A. (2020). *Child Abuse: From Causation to Response*. Khorsandi Publications.
- Mahdavi, M. (2021). *Crime Prevention*.
- Mirzaei, S. (2015). *Criminal Psychology*. Avaye Noor Publications.
- Navabinejad, S. (2015). Examining Family Counseling Centers in Iran and Comparing Them with Global Standards. *Family and Research Journal*(3).
- Noori, R. (2020). Pedophilia in Islamic Penal Law and International Law. *Dadgostar Monthly*(3).
- Rabiei, A., & Shaghasemi, E. (2016). Individual and Social Pathology of Virtual Relationships in Iran: A Qualitative Approach. *Social Welfare Research Quarterly*, 9(34).
- Razavi, M. (2020). Cyber Crimes and the Role of Police in Preventing Them. *Police Knowledge Quarterly*, 9(1).
- Seyyed Isfahani, S. H. a.-D. (2011). *The Role of Police in Preventing Juvenile Delinquency*. Mizan Publications.
- Shami, M. (2013). *An Introduction to Criminalization and Decriminalization*. Jungle Publications.
- Taha, F. (2011). *Examining Crime Prevention Congresses and Criminal Justice of the United Nations*. Mizan Publications.